

## اعلامیه مطبوعاتی

### چهره منفور دیموکراسی سیکولر یک بار دیگر آشکار شد

(ترجمه)

کتر کسی یافت می‌شود که مقالات روزنامه آلمانی NRC و برنامه‌های تلویزیونی نیوزور را در مورد آموزش اسلامی در هالند نخوانده و ندیده باشد. این تحقیق روی آموزش‌های رسمی و غیررسمی اسلامی، سروصداهای بسیاری را در جامعه هالند به پا کرده است. داستان از مراکز آموزشی سلفی یا هم آن‌هایی که شدیداً از سلفیت متأثر هستند شروع شد که شریعت (قوانین اسلام) را تدریس و تکریم می‌کنند. عده‌ای از سیاست‌مداران مسقیماً خواستار سانسور خبرها و افزایش صلاحیت‌های هیأت مفتشین/بازرسان آموزشی شدند تا بتوانند حتی بر نهادهای آموزشی غیررسمی نیز نظارت کنند. حتی بعضی‌ها خواستار ممنوعیت این آموزش‌ها شدند؛ همانند بلجیم که دو دستی فرصت را قاپید و آموزش اسلامی را در این کشور زیر فشار آورد.

آن‌ها با به‌کارگیری از طرح‌های تبلیغاتی پیچیده، چهره ناخوشایندی را از نهادهای آموزشی رسمی و غیررسمی ایجاد کردند. ادعاهای دروغین بی‌شمار، سوءتعبیرها و اظهارات تخریب‌گرانه، رشته مشترک همه این کارزارها را تشکیل می‌دهد، هرچند که نتیجه یکسان است. آموزش غیررسمی اسلامی (مدارس قرآنی در مساجد) و نهادهای آموزش اسلامی رسمی (که زیر نظارت مفتشین/بازرسان آموزشی فعالیت می‌کند) "ناخواسته" به تدریس مفاهیم اسلام می‌پردازند. منظور از مفاهیم اسلامی ناخواسته آنگاه واضح‌تر می‌شود که از آیات قرآن ایراد گرفته شود، آیاتی که مسلمانان به آن‌ها ایمان دارند و با همه توان‌شان عمل می‌کنند؛ مثلاً پذیرش قوانین طرز پوشش خاص، رد همجنس‌گرایی، رفتارهای مشخص بین مردان و زنان، ایمان به آخرت و امثال این‌ها. در حقیقت، آن‌چه باید یادآور شد این است که تمام نهادهای آموزشی اسلامی، بدون استثناء، مفاهیم، اصطلاحاً، معتدل اسلام را ناخواسته تدریس می‌کنند. بناءً حقیقت ندارد که این تحقیق تنها و تنها در مورد مفاهیم سلفیت است. هدف آن‌ها نه فقط سلفی‌ها، بل مفاهیم اساسی اسلام است که به دلیل متقابل قرار گرفتن‌شان با چوکات آزادی‌های دیموکراتیک، آن‌ها را ناخواسته می‌پندارند. همان‌گونه که یکی از برادران ما می‌گوید: «اگر مسلمانان پس از مشاهده تمام این‌ها بازم به حملات برنامه‌ریزی شده علیه اسلام پی نبرند، نمی‌دانم که دیگر درمورد چی فکر کنم.»

یافته‌های این تحقیق تفوق سیاست‌های ضد اسلامی را نشان می‌دهد، طوری که ابتدا پوشش نقاب و ذبح حلال را منع کردند و اکنون نوبت به ممنوعیت آموزش اسلامی رسیده است. یک سازمان مخالف آموزش اسلامی که اوایل امسال از طرف AIVD تأسیس شد، در گزارش سالیانه‌اش از "واعظین مسلمان بنیادگرا" و تأثیرشان بر کودکان مسلمانی که آموزش‌های عربی و قرآنی را فرا می‌گیرند متذکر شد. براساس گزارش دیک اکوف، مدیر کل AIVD، صنوف مساجد و انجمن‌ها، زمینه را برای "جهادیت" و رشد اطفال به عنوان ظرفیت بالقوه تروریستی فراهم می‌کند.

ما، در همین مورد، نگرانی خود را از چنین پیشرفت‌های خطرناک از طریق اعلامیه‌ای در ماه اپریل ابراز کردیم. در آن‌جا گفتیم: «زبان AIVD کاملاً واضح می‌سازد که می‌خواهد مسلمانان را به‌عنوان یک خطر تعریف کند و از کودکان مسلمانی که قصد آموختن دین‌شان را دارند، یک تصویر بد ارائه کند تا از آن‌ها به‌عنوان یک نیروی بالقوه تروریستی تعریف شود. چنین گستاخی نگران‌کننده است و نگران‌کننده‌تر از آن این که هیچ‌کس تقصیر این موضوع را به‌دوش نمی‌گیرد. برعلاوه، مردم نیز دوست دارند که ابزار این

تبلیغات ضداسلامی قرار گیرند.» تحقیق نیوزور و NRC با برجسته کردن تفاوت‌های کلیشه‌ای و حمله به مفاهیم معتدل اسلامی، تنها به تبلیغات ضداسلامی دولت کمک کرده‌است. در واقع، آنان به هیچ نتیجه جدیدی دست نیافته‌اند.

واضح است که بین تعالیم اسلامی و آزادی‌های دیموکراسی تفاوت‌هایی وجود دارد. لازم نبود که برای دست‌یافتن به این نتیجه، تحقیق دیگری انجام شود. هرچند، سوال اساسی که باید به پاسخ آن پرداخت این است که چرا برای چنین مشکل بزرگ و غیرقابل تفوق در دیموکراسی لیبرال باید مواضع گوناگون گرفته شود؟ و چرا از مسلمانان می‌خواهند که هم به اصول اسلامی‌شان پایبند باشند و هم به دیموکراسی لیبرال ارزش قایل شوند؟ این همان چیزی است که آنان از مسلمانان می‌خواهند. عجیب‌تر از همه این که مسلمانان به داشتن تعصب در برابر کسانی که متفاوت می‌اندیشند، عدم تمایل به زندگی همراه آنان و عدم سازگاری با مفاهیم آن‌ها متهم می‌شوند؛ حال آن‌که مسلمانان را مجرم می‌نامند و از مفاهیم‌شان، به بهانه این که با چوکات آزادی‌های دیموکراسی سازگار نیست، ایراد می‌گیرند.

اسلامی را که آنان به‌خاطر عدم سازش‌گری ستیزه می‌کنند، ۱۴۰۰ سال پیش ایجاد شد و تمام بشریت را بی‌تفاوت از رنگ، فکر، وغیره، با حفظ هویت، رسوم و سنت‌های‌شان در خود جای می‌دهد؛ چنین است که مسلمانان به هیچ‌گونه مشکلی دچار نمی‌شوند. تنها حامیان لیبرال دیموکراسی به مشکل مواجه می‌شوند. آنان از یک‌طرف صدای آزادی را بلند می‌کنند، ولی از طرف دیگر روش‌های گوناگونی را برای اعمال فشار بر مسلمانان، دور کردن آنان از دین‌شان، و در آغوش گرفتن طرح لیبرال دیموکراسی به کار می‌گیرند.

آیا این همان چیزی است که مسلمانان را به آن دعوت می‌کنند؛ آرمانی که خودشان، با سرکوب کسانی که متفاوت می‌اندیشند و وادار کردن آنان به ترک عقایدشان، لگدمال می‌کنند؟ پس می‌توان گفت که اسلام بدیل بهتری است چون دورویی، ظلم و اجبار در دین را تحریم کرده‌است.

#### اوکی پالا

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-هالند

۱۳ محرم ۱۴۴۱ ه.ق

پنج‌شنبه، ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۹م

شماره صدور: ۱۴۴۱ / ۰۱

مترجم: محمد حارث پویا